

علوم انسانی کنونی همانند دیگر علوم مدرن، محصول اندیشه‌های است که در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی در دوره «روشننگری» شکل گرفت. این علوم تا پیش از انقلاب اسلامی، با همین ویژگی و پیشینه به تدریج به ایران وارد و به دانشجویان عرضه شد. اما انقلاب اسلامی، طلیعه‌دار اندیشه‌های مبتنی بر مبانی دینی و پایبند به ارزش‌های اسلامی بود. روشن است که چنین دیدگاهی علوم انسانی مدنظر خود را می‌طلبد. با توجه به اینکه خط‌مشی‌گذاری برای هر مسئله‌ای، مستلزم شناخت ابعاد و مؤلفه‌های آن است، لذا اندیشه‌های مقام معظم رهبری به‌عنوان اندیشمندی اسلامی که از قبل از انقلاب تاکنون در این راستا، تلاش کرده‌اند، می‌تواند زمینه خوبی برای استخراج مدل مفهومی تحول در علوم انسانی باشد. در این مقاله با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به تحلیل ۳۸ سخنرانی و ۶ نامه مکتوب از ایشان پرداخته شد و در نهایت پنج مقوله اصلی استخراج گردید. پس از آن از طریق تمسک به دلالت التزامی گزاره‌های انتقادی و راهکاری مقام معظم رهبری، ویژگی‌های نهاد علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی نیز در سه بعد ساختار، محتوا و کنشگران به دست آمد. همراهی علم و دین، توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی، بهبود شیوه‌های آموزشی و فعالیت‌های پژوهشی متناسب از ویژگی‌های ساختاری مطلوب؛ اعتماد به نفس، نوآوری، اسلام‌گرایی، انگیزه و استعداد بالا از ویژگی‌های نیروی انسانی مطلوب و در نهایت، اسلامی بودن و بومی بودن از ویژگی‌های محتوای مطلوب علوم انسانی است.

■ واژگان کلیدی:

علوم انسانی، تحول در علوم انسانی، مقام معظم رهبری، خط‌مشی‌گذاری علم، تئوری‌پردازی داده‌بنیاد

ابعاد و مؤلفه‌های تحول در علوم انسانی در اندیشه مقام معظم رهبری

و دلالت‌های آن بر علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی*

حسین قلی‌پور

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
hghpor@gmail.com

علیرضا چیت‌سازیان

استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
achitsazian1361@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله پژوهش

آنچه در جهان امروزی به‌عنوان علوم اجتماعی^۱ به‌معنای خاص خود شناخته شده و با گونه‌های دیگر معرفت و دانش بشری متفاوت است، محصول و فرآورده تحول نگاه و رویکردی است که نسبت به دین و علم در دوره «روشنگری»^۲ یا «عصر خرد»^۳ در اندیشه مغرب‌زمین شکل گرفت. بطلان نظریات برخاسته از کلیسای قرون وسطایی که به تدریج توسط مطالعات و آزمایش‌های علمی تجربی اثبات می‌شد، روی هم‌رفته منجر به کم‌فروغ شدن این نهاد در مغرب زمین گشت. نواندیشان این دوره از تاریخ مغرب‌زمین، توصیه می‌کردند که دیگر گوش جان سپردن به فرامین کلیسا - که نماد و متولی دین بود - به پایان رسیده است و اکنون هنگامه به‌کارگیری فهم خویش با اتکای به عقل خود برای یافتن هدایت است. (کانت، ۱۳۷۶: ۱۷) در این دوره علم مدرن، با اتکاء به مشاهده و روش تجربی و با اعتقاد به اینکه دین منبع خوبی برای فهم حقایق نیست شکل گرفت. (شفریتز^۴، ۲۰۰۸: ۳۲؛ نیومن^۵، ۲۰۰۰: ۶ و ون دی ون^۶، ۲۰۰۷: ۲۹۸) در این برداشت جدید از معرفت که با عنوان ساینس^۷ شهرت یافت، روش‌شناسی علمی مهم‌ترین عاملی بود که تعیین می‌کرد چه دانشی علمی بوده و چه دانشی چنین عنوانی را بر نمی‌تابد. گرچه این تحولات در عرصه علوم طبیعی و حوزه‌هایی همچون نجوم و فیزیک آغاز گردید، اما این مسیر تحول منحصر به علوم طبیعی و موضوعات مطالعاتی ملموس و محسوس باقی نماند و به تدریج همین روش، مبنای نظریه‌پردازی در عالم انسانی و به تعبیری علوم انسانی^۸ شد. (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۴۹) این تحولات در عرصه علوم انسانی سبب شد تا مجموعه اندیشه‌های برخی فیلسوفان از جمله روسو و پیروان وی در قرن نوزدهم، اندیشه انسان را به‌نحوی سابقه‌ای به تحرک واداشته و ادبیات، علوم، فلسفه و اصول کشورداری را دستخوش دگرگونی کند. (دورانت، ۱۳۶۹: ۸۷۰)

۹۸

1. Social Sciences
2. Enlightenment
3. The Age of Reason
4. Shafritz
5. Neuman
6. Van de Ven
7. Science

۸. در این مقاله بدون تفکیک بین علوم انسانی و علوم اجتماعی، هر وقت از علوم انسانی نام برده می‌شود منظور علوم‌ی هستند که کنش‌های انسانی را مورد مطالعه خویش قرار داده و به بحث و پژوهش پیرامون آن می‌پردازند.

از آنجا که علوم انسانی دانش توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی و تقویت، اصلاح یا تغییر کنش‌های انسانی است (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)، در اداره و مدیریت جوامع بشری نقش اساسی داشته و اثرگذاری مستقیم بر معنابخشی و سبک زندگی افراد جامعه در عرصه زندگی شخصی و اجتماعی آنها دارد.

بنابر آنچه ذکر شد، تحول علوم انسانی موضوعی است که در کشور ما، بعد از وقوع انقلاب اسلامی به صورت جدی مطرح و مطالبه شده است. از این رو برای فهم چیستی، ابعاد و مؤلفه‌های آن، لاجرم باید با این زاویه دید، بینش و مبانی فکری انقلاب اسلامی را بررسی و مطالعه کرد. انقلاب اسلامی نیز علاوه بر اینکه بر مبانی اندیشه‌ای اسلام، استوار گردیده است، در بستر زمانی و مکانی خاصی ضرورت یافته و به وقوع پیوسته است. لذا آشنایی صرف با اندیشه اسلامی نمی‌تواند منجر به فهم انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده اجتماعی فرهنگی سیاسی و البته اسلامی بشود. از این رو با التفات به این نکته و اینکه تحول در علوم انسانی یک مقوله چندبعدی علمی اجرایی است که برای دستیابی به الگوی تحول در آن، جامع‌نگری ضروری می‌نماید، برای این منظور اندیشه مقام معظم رهبری دام‌ظله‌العالی مبنا قرار گرفت. رهبر معظم انقلاب دام‌ظله‌العالی، از یک سو به عنوان اندیشمند دینی و مرجع تقلید و مجتهد جامع‌الشرایط، با اندیشه اسلامی آشنایی عمیقی دارند و از سوی دیگر قبل و بعد از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده حضرت امام رحمت‌الله علیه در دانشگاه‌ها، ارتباط گسترده‌ای با دانشگاه و دانشگاهیان داشته‌اند و همچنین به سبب مسئولیت‌های اجرایی متعدد قبل از عهده‌دار شدن مسئولیت زعامت و رهبری ایران اسلامی، شناخت متناسبی با ساختارهای اجرایی کشور دارند. از این رو به جرأت می‌توان ادعا کرد که اندیشه معظم‌له بهترین رهنمودها و گره‌گشایی‌ها را جهت تحول در علوم انسانی داشته باشد.

ایشان از پیشگامان دعوت‌کننده به بازنگری و تحول در علوم انسانی بوده‌اند، به طوری که قبل از رسیدن به جایگاه رهبری دام‌ظله‌العالی از حامیان فعالیت‌های مربوط به انقلاب فرهنگی، اسلامی شدن دانشگاه‌ها و همکاری‌های حوزه و دانشگاه بوده‌اند. ایشان در همان سال اول رهبری دام‌ظله‌العالی خویش، بیانات مهمی در باب وحدت حوزه و دانشگاه بیان کردند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸) براساس مطالب منتشرشده اولین مطالبه رسمی خود را مبنی بر لزوم تحول در علوم انسانی در سال ۱۳۷۱ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کردند. ایشان ضمن بیان عقب‌ماندگی کشور در تحول بخشیدن به علوم انسانی، بر لزوم

تحول اساسی بخشیدن به علوم انسانی تأکید نمودند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱) ایشان در فرصت‌های مختلف ضمن انتقاد از روحیه ترجمه‌گرایی در علوم انسانی و فرهنگ (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱ الف)، بر ضرورت تحقیق و نوآوری در علوم انسانی به سبب غنای فرهنگ اسلامی ایرانی برای تولید مفاهیم علوم انسانی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲ ب) تأکید داشتند و با نظر به اهداف و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی و همسو نبودن و بلکه ضدیت علوم انسانی با این اهداف و آرمان‌ها، بارها و در فواصل زمانی مختلف نسبت به وضعیت نامطلوب علوم انسانی کشور، رهنمودهایی داشته‌اند. از آنجا که نامطلوب دانستن وضعیت فعلی، منوط به داشتن و دانستن تصویری از وضعیت مطلوب ولو به صورت اجمالی است، لذا در این پژوهش بررسی و مطالعه‌ای دقیق بر روی بیانات و مواضع ایشان در قالب پردازشی روشمند به منظور شناسایی مسائل و رفع مسائل محوری این حوزه، که مبنایی برای خط‌مشی‌گذاری تحول در علوم انسانی و گذار از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب باشد ضروری می‌نمود. در این بررسی به دنبال کشف ابعاد و مؤلفه‌های تحول در علوم انسانی از منظر رهبر انقلاب اسلامی (دام‌ظله‌العالی) خواهیم بود.

پیشینه پژوهش

پورطهماسبی و تاجور، مقاله‌ای با عنوان «بررسی حوزه علوم انسانی از دیدگاه مقام معظم رهبری» تألیف کرده‌اند. (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۸). لیکن مطالعه محتوای این مقاله نشان می‌دهد که علی‌رغم عنوان آن، مطالبی که از رهبر انقلاب در آن آمده است، اولاً شامل برخی از محورهای مطالباتی ایشان در باب علم و علم‌آموزی بوده است و مختص به علوم انسانی نیستند. محورهایی چون «تربیت دینی دانشجوی»، «تدریس عالمانه»، «حضور در دانشگاه» و... در ارتباط با اساتید، «خودسازی اعتقادی»، «جهاد علمی»، «مطالعه تاریخ و عبرت از آن» و... در ارتباط با دانشجویان، «تهیه نقشه جامع علمی کشور»، «علمی کردن محیط دانشگاه»، «انجام تحقیق مطابق با نیازهای کشور» و... که مرور آنها نشانگر عام بودن این مطالبات در تمام حوزه‌های علم و فناوری است. ثانیاً محورهای فوق، مطالبات رهبر انقلاب را انعکاس می‌دهند نه دیدگاه و نوع نگاه رهبر انقلاب اسلامی و سوم اینکه این مطالب راجع به علم است و نه تحول در علم و به صورت خاص تحول در علوم انسانی. مطالعه دیگری که سعی کرده موضوع علوم انسانی را از منظر رهبر انقلاب پیگیری کند، مقاله «علوم انسانی و جایگاه آن از دیدگاه مقام معظم رهبری» (میرزاابایی، ۱۳۸۹)

است. در این مطالعه بررسی دیدگاه رهبر انقلاب در باب علوم انسانی، چهار محور کلی دارد که عبارت‌اند از: «اهمیت علوم انسانی»، «وضعیت اسفبار علوم انسانی»، «آسیب‌شناسی علوم انسانی» و «بایسته‌های علوم انسانی». اما همان‌طور که در متن مقاله به آن تصریح شده است، این مطالعه در پی پاسخگویی به این پرسش بوده است که از منظر رهبر انقلاب، علوم انسانی چه جایگاهی داشته و چه راهکارهایی برای ارتقای آن وجود دارد؟ لذا سؤالاتی چون چیستی تحول علوم انسانی، ابعاد و مؤلفه‌های آن، نهادهای درگیر و موظف به تحول علوم انسانی را بی‌پاسخ می‌گذارد. مطالعه دیگری نیز علوم انسانی را از منظر رهبر انقلاب دنبال کرده است (مروتی و مروتی، ۱۳۸۹) ولی بنابر آنچه در متن آن آمده، این بار به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بوده است که چالش‌های اساسی علوم انسانی در ایران چه بوده است؟ و چه راهکارهایی می‌توان برای ارتقای جایگاه علوم انسانی در دانشگاه‌ها پیشنهاد داد؟ بررسی این مقاله نیز نشان می‌دهد که آنچه در این مقاله با عنوان راهکار آمده، در حقیقت راهبرد یا سیاست کلان است نه راهکار عملیاتی. نقد عمده‌ای که بر هر سه مطالعه مذکور، وارد است، ابهام و عدم بیان نحوه جمع‌آوری داده‌های مرتبط با مسائل بوده است. مرور مطالب آورده‌شده نیز مؤید این مطلب است که بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب به صورت نظام‌مند جمع‌آوری و تحلیل نشده‌اند و تنها برخی از مطالب آورده شده است. نقیصه‌ای که جامعیت این مطالعات و دستیابی به دیدگاه ایشان را به چالش می‌کشد. نظر به اینکه اولاً هر کدام از این مقالات به سؤالی متفاوت با مسئله پژوهش حاضر پرداخته و ثانیاً روش نظام‌مندی در جمع‌آوری و همچنین تحلیل داده‌ها که قادر به ترسیم مدل مفهومی اندیشه معظم‌له در این زمینه باشد، در پیش نگرفته‌اند، پژوهش حاضر انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش

از جمله روش‌های کیفی پژوهش، روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد است. این روش توسط دو جامعه‌شناس به نام‌های گلاس و استراوس، برای اولین بار طراحی و مورد استفاده قرار گرفت. اولین کتاب این دو «اکتشاف تئوری‌سازی داده‌بنیاد» فصل تازه‌ای را برای تحقیقات کیفی در علوم اجتماعی به روی پژوهشگران باز کرد. روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد عبارت است از کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی که به‌طور منظم در فرآیند تحقیق اجتماعی به دست آمده‌اند. از آنجا که این روش‌شناسی در گستره متنوعی از تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است، در ادامه این روش را به اجمال معرفی می‌نماییم.

دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۶) مراحل روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد را به شرح زیر اعلام می‌کنند:

۱. طرح پژوهش؛ ۲. جمع‌آوری داده‌ها؛ ۳. تنظیم داده‌ها؛ ۴. تحلیل داده‌ها؛ ۵. مقایسه با متون

تحلیل داده‌ها، فعالیت و محور اصلی پژوهش در این روش است. تحلیل داده‌ها در روش تئوری‌سازی داده‌بنیاد، از طریق کدگذاری صورت می‌گیرد. کدگذاری داده‌ها، در حقیقت پردازشی است که داده‌های مرتبط را در قالب مفاهیم و مقولات ارائه می‌کند. این فرآیند اصلی است که به‌وسیله آن نظریات ساخته می‌شوند به‌طور کلی کدگذاری در سه مرحله انجام می‌شود:

کدگذاری باز: فرآیند کدگذاری با کدگذاری باز خط به خط داده‌ها به‌منظور شناسایی کدهای اصلی که از میان داده‌ها به‌وجود می‌آید آغاز می‌شود.

کدگذاری محوری: کدگذاری محوری فرآیند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌های شان و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل محوری نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. پس از کدگذاری باز، باید کدهای به‌دست‌آمده را در قالب مفاهیم و مقوله‌ها دسته‌بندی نمود. جستجوی سرخ‌هایی در داده‌ها که بر چگونگی ربط‌دهی ممکن مقوله‌های اصلی به هم دلالت دارد، یکی از راهکارهای اصلی در تعیین مقوله‌ها و مفاهیم است.

کدگذاری انتخابی: در این مرحله از کدگذاری، محقق از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری نظریه‌ای را استخراج می‌کند. وقتی پژوهشگر به مجموعه‌ای از کدها دست یافت، او می‌تواند از این کدها برای مقایسه، مقوله‌بندی کردن و ترکیب مقادیر زیاد داده‌ها استفاده کند. در حین این فرآیند، مطالبی را در کنار کدها یادداشت می‌کند که مختصات هر کد شامل شرایطی که آن کد در کنار آن به‌وجود آمده است و مقایسه با دیگر داده‌ها در آن وجود دارد.

گردآوری داده‌های پژوهش

داده‌های مورد نیاز این پژوهش، تمام بیانات، پیام‌ها و مواضع مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) با موضوع تحول در علوم انسانی است. بنابراین گام اول این پژوهش، استخراج تمامی داده‌های مرتبط با موضوع علوم انسانی و تحول علوم انسانی بود. در

این پژوهش گردآوری داده‌ها صرفاً از طریق جست‌وجوی کلیدواژه‌ای نبوده است که با جست‌جوی یک یا چند کلیدواژه در بیانات معظم له، ادعا شود تمامی داده‌های پیرامون موضوع به‌دست آمده است؛ بلکه تلاش شده تا از طریق بررسی بیانات و مکتوبات معظم له، تمامی داده‌هایی که به‌نوعی در ارتباط با موضوع پژوهش‌اند و می‌توانند حاوی کد یا پیامی در این رابطه باشند، استخراج شوند.

جمع‌آوری داده‌ها بدین‌صورت بود که ابتدا مطالب مرتبط با علوم انسانی به‌دست آورده می‌شد و این خود مرحله اول مطالعه اندیشه رهبر انقلاب را رقم می‌زد. پس از آن، جست‌جو برای دیگر مطالب ادامه می‌یافت تا آنکه احساس می‌شد مطالب دیگری در ارتباط با مسئله پژوهش در بیانات و مکتوبات معظم له یافت نمی‌شود. در این جست‌جوها مجموعاً ۳۸ سخنرانی و ۶ اثر مکتوب و مرقومه معظم له (شامل نامه، ابلاغیه سیاست‌ها و یا حکم انتصاب) جمع‌آوری و برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. در مراحل بعد ضمن انجام کدگذاری داده در قالب سه مرحله و تشکیل شبکه مفهومی آنها، برای اطمینان بیشتر بار دیگر به جست‌جوی مطالب مرتبط پرداخته شد و در نهایت در بعضی از منابع رسمی مقداری به داده‌های اولیه افزوده شد.

سپس متن که بالغ بر ۳۶۰ صفحه بود، مطالعه شد و در حین مطالعه، ایده‌های نخستین در مورد نظریه معظم له در حوزه تحول شکل گرفت. این ایده‌ها در حاشیه متن به‌عنوان ایده‌های اولیه نگاشته شده تا در گام‌های بعد مورد استفاده و نیز بررسی مجدد قرار گیرد و در گام بعد براساس مراحل ذکرشده در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به کدگذاری داده‌های مورد انتخاب در پژوهش پرداخته شد. پس از کدگذاری مطالب به‌دست‌آمده مرتبط با موضوع، اشباع نظری صورت گرفته است، به‌طوری‌که مطالعه و تحلیل مطالب دیگر معظم له که در نظر ابتدایی مرتبط با موضوع به‌نظر می‌رسیدند، نه‌تنها مفهوم یا مقوله بلکه حتی کد تازه‌ای به کدهای قبلی اضافه نمی‌کرد. همچنین با توجه به اینکه مطالب مرتبط با موضوع در سخنان و مکتوبات معظم له توزیع شده‌اند و ایشان یک سخنرانی یا نوشته مجزایی در این زمینه نداشته‌اند که با مراجعه به آنها بتوان تمام مفاهیم لازم را استخراج کرد، به این نتیجه رسیدیم که اشباع نظری پژوهش در سطح مقولات و کفایت تفصیل در سطح مفاهیم حاصل شده است. بر این اساس در واقع نظریه تحول از منظر مقام معظم رهبری در طول زمان و براساس انس محققان با داده‌ها شکل گرفته و ظهور و بروز یافت. برای اطمینان از روایی پژوهش، کدهای به‌دست‌آمده به همراه متون آنها، برای

بار دوم و سوم مورد مطالعه قرار گرفت که در این مرحله مقداری تغییر در کدگذاری‌ها، صورت گرفت. در مرحله کدگذاری باز، ۱۳۱ کد باز به‌دست آمد. پس از مرور این کدها، ۳۳ کد محوری یا مفهوم از کدهای باز حاصل شد. پس از مرور مفاهیم به‌دست‌آمده، ۵ مقوله کلی که به‌نوعی وجه مشترکی از مفاهیم به‌دست‌آمده در مرحله قبل هستند، استخراج گردید که در ادامه به‌تفصیل، مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده بررسی می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که توضیح داده شد، پس از تحلیل داده‌های اولیه، ۳۳ کد محوری یا مفهوم و ۵ مقوله کلی که به‌نوعی وجه مشترکی از مفاهیم به‌دست‌آمده در مرحله قبل هستند استخراج گردید. مقوله‌های کلی عبارت‌اند از: اهمیت و جایگاه علوم انسانی، وضعیت نامطلوب علوم انسانی، ضرورت و امکان تحول در علوم انسانی، الزامات تحول و مدیریت تحول در علوم انسانی که در ادامه به توضیح و تبیین آنها می‌پردازیم.

۱۰۴

اهمیت و جایگاه علوم انسانی

مقام معظم رهبری با بیان این نکته که بسیاری از حوادث دنیا محکوم نظریات علوم انسانی است^۱ قائل‌اند که علوم انسانی، جهان حاضر را جهت می‌دهد. علوم انسانی روح دانش است^۲ به این معنا که علوم دیگر در هر مسیری که علوم انسانی برای یک جامعه مشخص می‌کنند به‌کار می‌روند. از سوی دیگر موضوعات علوم انسانی از چنان دامنه وسیعی برخوردارند که حتی پیشرفت در صنعت نیز تا حد زیاد و قابل توجهی مدیون عملیاتی کردن نظریات علوم انسانی در آن عرصه است.^۳ از این سه مفهوم به‌دست‌آمده مقوله اهمیت و جایگاه علوم انسانی را به‌دست آورده‌ایم. در جدول ۲، مفاهیم مندرج ذیل مقوله کلی «اهمیت و جایگاه علوم انسانی» و میزان فراوانی کدهای مرتبط با این مقوله بیان شده است.

همان‌گونه که مفاهیم مرتبط با این مقوله نشان می‌دهد، از منظر مقام معظم رهبری علوم انسانی به‌عنوان مهم‌ترین رکن تمدن‌سازی، نقش بی‌بدیلی در تحقق آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی دارد. از این‌رو توجه به علوم انسانی مورد استفاده در تربیت سرمایه انسانی کشور در برنامه‌های راهبردی نظام ضروری می‌نماید.

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۷/۱۳

۳. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۴/۴/۱۳

جدول ۱: مفاهیم مرتبط با مقوله اهمیت و جایگاه علوم انسانی و فراوانی کدهای مرتبط

مقوله	مفاهیم	فراوانی	فراوانی کل
اهمیت و جایگاه علوم انسانی	جهت‌دهنده جهانی	۱	۸
	جهت‌دهنده و تعیین‌کننده مسیر جامعه	۶	
	گستره وسیع علوم انسانی در جامعه	۱	

وضعیت نامطلوب علوم انسانی

معظم‌له، نواقص و اشکالات موجود در علوم انسانی را هم مربوط به محتوا و هم مربوط به نیروی انسانی آن و هم مربوط به ساختار آن می‌دانند. به گفته ایشان: گاهی اوقات آدم‌های ناوارد بدون اینکه از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند؛ که در واقع مهم‌گویی است^۱ (بی‌مبالاتی در علوم انسانی). مشکل جدی ساختار این است که از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون نهاد علم (دانشگاه) و دین (حوزه)، جدای از یکدیگر فعالیت کرده‌اند.^۲ در این ساختار حتی گاهی اوقات مشاهده می‌شود که رویکردهای اسلامی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.^۳ در جدول ۳ به مفاهیم مرتبط با این مقوله اشاره شده است.

۱۰۵

جدول ۲: مفاهیم مرتبط با مقوله وضعیت نامطلوب علوم انسانی و فراوانی کدهای مرتبط

مقوله	مفاهیم	فراوانی	فراوانی کد	
وضعیت نامطلوب علوم انسانی	نیروی انسانی (افراد) علوم انسانی	غرب‌زدگی در علوم انسانی	۳	
		خلأ استاد میرز در علوم انسانی	۱	
		بی‌مبالاتی در علوم انسانی	۱	
	ساختار علوم انسانی	محتوای علوم انسانی	خلأ تولیدات بومی اسلامی در علوم انسانی	۴
		جدایی دو نهاد علم و دین از یکدیگر	بی‌توجهی به مباحث اسلامی در علوم انسانی	۳
			بی‌توجهی به مباحث اسلامی در علوم انسانی	۷

ضرورت و امکان تحول در علوم انسانی

مقوله سوم، ضرورت و امکان تحول در علوم انسانی است که به ضرورت، امکان‌پذیری و

۱. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب ۱۳۶۸/۹/۲۹

۳. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۱/۹/۱۹

جایگاه و اهمیت آن پرداخته است. مقام معظم رهبری، تحول در علوم انسانی را به این دلایل ممکن می‌داند: فرهنگ غنی اسلامی^۱ که در آن علاوه بر اینکه علم و دین مؤید یکدیگر بوده، دین، مشوق علم‌آموزی نیز هست.^۲ استعداد متوسط به بالای ایرانی‌ها.^۳ موجود بودن خمیرمایه برخی از علوم انسانی (عقلانیت و تجربه‌گرایی) در میراث اسلامی ایرانی.^۴ ایشان در بیانی دستیابی به برجستگی‌ها و نوآوری در علوم انسانی را کلید اساسی پیشرفت نهایی و بنیادی و ریشه‌دار کشور اعلام کرده‌اند.^۵

جدول ۳: مفاهیم مرتبط با مقوله ضرورت و امکان تحول علوم انسانی و فراوانی کدهای مرتبط

مقوله	مفاهیم	فراوانی	فراوانی کد
تحول در علوم انسانی	ضرورت	محتوای معارض و مخالف با اسلام	۱
		ناکارآمدی علوم انسانی موجود در حل مسائل و تحقق آرمان‌های ایران	۲
		جهت‌دهندگی غلط به جامعه	۱
		تلقین شدن نگاه غیراسلامی به دانش‌آموختگان علوم انسانی	۱
		مبنای غیرالهی علوم انسانی	۶
		نیاز به نوآوری	۱۵
	امکان‌پذیری	عقب‌ماندگی در علوم انسانی	۱
		وجود خمیرمایه برخی از علوم انسانی در ما	۱
		داشتن فرهنگ غنی اسلامی	۳
		استعداد برتر ایرانی	۱
		استقبال جهانی از ارائه نظریات علوم انسانی اسلامی	۱
	جایگاه و اهمیت تحول	یکی از نیازهای اساسی کشور	۱
		کلید اساسی پیشرفت نهایی و بنیادی و ریشه‌دار کشور	۱
		ارائه حرف حق جمهوری اسلامی در گرو علم است	۱

۱۰۶

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۲/۸/۸
۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۶/۱۲
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی ۱۳۸۵/۵/۲۳
۴. بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۶/۱۲
۵. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۷/۱۲

الزامات تحول در علوم انسانی

الزامات تحول، شرایط لازم (نه کافی) برای تحول در علوم انسانی هستند. از جمله این الزامات ایجاد ساختار و مدیریت ویژه تحول علوم انسانی است. منظور از ایجاد ساختار و مدیریت ویژه^۱، ساختار یا سازمانی است که مدیریت تحول را برعهده گرفته و اقدامات مدیریتی لازم مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی و... را برای تحقق این هدف انجام دهد. البته باید توجه داشت که معظم‌له در توصیه‌های خود به‌طور مطلق تبادل و فراگیری علوم از غرب را نفی نکرده و توصیه دارند که علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد می‌کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دوطرفه باشد و الا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرابگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در اینجا هم منفی نباشد.^۲

۱۰۷

جدول ۴: مفاهیم مرتبط با مقوله الزامات تحول و فراوانی کدهای مرتبط

مقوله	مفاهیم	فراوانی	فراوانی کد
الزامات تحول	وجود ساختار و مدیریت ویژه تحول علوم انسانی	۱	۲۷
	عملیاتی شدن اقدامات تحولی	۱	
	پرهیز از شتاب‌آلودگی در تحول	۱	
	جوشش از درون و حمایت از بیرون	۱	
	بازنگری و برنامه‌ریزی جدی و جدید برای تحول در علوم انسانی	۳	
	اصلاح مبانی علوم انسانی	۲	
	سرمایه‌گذاری برای تدوین علوم انسانی	۲	
	ایجاد خودآگاهی جمعی نسبت به اهمیت علوم انسانی و ماهیت غربی فعلی آن	۱	
	وجود محیط آزاداندیشی	۳	
	نوآندیشی و نوآوری	۶	
	طرح رویکردهای اسلامی به مسائل علوم انسانی	۱	
	برخوردهای سلبی در کنار رویکردهای ایجابی	۱	
	همراهی تدین و علم‌آموزی در دانشگاه‌ها	۱	
	وحدت حوزه و دانشگاه	۳	

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴

۲. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

مدیریت تحول در علوم انسانی

مقوله مهم دیگر، مدیریت تحول است. از آنجاکه علوم انسانی نقش قابل توجهی در سرنوشت جامعه دارد، رهبری معظم، سیاست‌هایی را در باب تحقق این هدف ابلاغ نموده‌اند. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه^۱، سیاست‌های کلی علم و فناوری^۲ و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه^۳ از این جمله است. انسجام‌بخشی به فعالیت‌هایی که در راستای تحول در گوشه و کنار کشور انجام می‌گیرد و قرار گرفتن آنها در یک مسیر واحد، توصیه مدیریتی ایشان در این زمینه است. علاوه بر اینها ایشان برای دستگاه‌های مختلفی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، بنیاد نخبگان، سازمان سمت، حوزه علمیه و دانشگاه‌ها وظایف خاصی را در این خصوص مشخص نموده‌اند. البته استخراج و تبیین نظر معظم‌له در باب مدیریت تحول، خود مجال مفصلی می‌طلبد و امید است در پژوهش‌های بعدی، این مهم محقق شود. ولی در اینجا چون صرفاً در پی استخراج ابعاد و مؤلفه‌های تحول مدنظر است، لذا به همین اندازه در توضیح مقوله مدیریت تحول اکتفا می‌کنیم.

۱۰۸

جدول ۵: مفاهیم مرتبط با مقوله مدیریت تحول در علوم انسانی و فراوانی کدهای مرتبط

فراوانی کد	فراوانی	مفاهیم	مقوله	
۴۱	۱	تقویت جایگاه و منزلت این علوم	سیاست‌های کلان نظام	
	۱	جذب افراد مستعد و باانگیزه		
	۳	اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی		
	۲	ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی		
	۳	ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی		
	۱	انسجام فعالیت‌های مربوط به تحول		مدیریت تحول در علوم انسانی
	۱	تدوین سند آمایش آموزش عالی		
	۱	تدوین مبانی علمی فلسفی تحول علوم انسانی		
	۱	بازنگری و برنامه‌ریزی جدی و جدید برای تحول در علوم انسانی		
	۱	شورای عالی انقلاب فرهنگی		

۱. ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

۲. ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» ۱۳۹۳/۶/۲۹

۳. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ۱۳۹۴/۴/۹

فرآوانی کد	فرآوانی	مفاهیم	مقوله
۴۱	۱	تعیین مشخصه‌های ورودی یا خروجی علوم انسانی	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
	۱	تعدیل در میزان پذیرش دانشجو	
	۱	تقویت اساتید مؤمن و معتمد به نفس	
	۱	تأسیس مرکز آی.اس.آی اسلامی به‌عنوان یک مرجع معتبر	
	۱	برنامه‌ریزی برای جذب و نگهداری نخبگان	بنیاد نخبگان
	۱	انتخاب درست معیارهای نخبگی در علوم انسانی	
	۱	عدم نیاز به تقلید از غرب در برخی رشته‌های علوم انسانی	سازمان سمت
	۱	استفاده از علوم انسانی غربی در صورت توجه به مبانی آنها	
	۱	رشد کمی کتب تخصصی و اسلامی	
	۱	بیرون کشیدن نظریات دین از متون اسلامی	حوزه علمیه
	۱	موافقت با ورود علوم انسانی به حوزه و تعلیم آن علوم به حوزویان	
	۲	پایه‌ریزی علوم انسانی بر مبانی اسلامی	
	۱	پژوهش‌های قرآنی مرتبط با علوم انسانی	
	۱	تربیت صاحب‌نظران جهانی در عرصه نظریه‌پردازی اسلامی	دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام
	۱	تلاش برای مرجعیت علمی جهانی این دانشگاه در علوم انسانی	
	۱	تبدیل آن به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تحول در علوم انسانی کشور	
	۲	تدوین پاسخ‌های اسلامی به مسائل علوم انسانی	اساتید حوزه و دانشگاه
	۴	استفاده از علوم انسانی غربی در صورت توجه به مبانی آنها	
	۱	شجاعت علمی در نقد نظریات غربی	
	۱	تولید بومی علوم انسانی و صدور آن به دنیا	
۱	ضرورت توأمان بودن فراگیری علم و کسب فضیلت	دانشجویان	
۱	تلاش برای نظریه‌پردازی		

۱۰۹

در شکل شماره ۱، پنج مقوله محوری تحول در علوم انسانی در قالب یک الگوی نظام‌مند ارائه شده است.



شکل ۱: مدل نهایی حاصل از مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست آمده در پژوهش

توضیح مدل

نظریه پردازان داده‌بنیاد، نظریه خودشان را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند: یک. الگوی کدگذاری بصری؛ دو. مجموعه‌ای از قضا یا (یا فرضیه‌ها) و سه. داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود.

در مدل به‌دست آمده، «تحول در علوم انسانی» همان مقوله محوری است. این مقوله به این دلیل که دیگر مقولات هر کدام به‌نوعی با آن مرتبط‌اند، ظهور مکرر آن در دیگر داده‌ها، عام بودن مفهوم آن و... به‌عنوان مقوله محوری قرار گرفته است. آنچه این تحول را ضروری می‌نماید چند نکته است: اولاً جایگاه و اهمیت ویژه علوم انسانی در تعیین مسیر و سرنوشت جامعه است. ثانیاً وضعیت نامطلوب علوم انسانی، محتوای معارض و مخالف با اسلام، ناکارآمدی علوم انسانی موجود در حل مسائل و تحقق آرمان‌های ایران، جهت‌دهندگی غلط به جامعه از دیگر اموری هستند که تحول در علوم انسانی را امری ضروری می‌نمایانند.

چنانچه مقوله محوری یعنی تحول در علوم انسانی محقق شود، اتفاقات مطلوبی در کشور رخ می‌دهد. از جمله این کنش و برهم‌کنش‌ها، تقویت مبانی دینی دانشجویان، محقق کردن آرمان‌های اسلامی، حل مسائل بومی کشور و برنامه‌ریزی برای کشور مبتنی بر نظرات اسلامی است. شرایط خاصی که وقوع این کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها را تسهیل می‌کند، وجود خمیرمایه برخی از علوم انسانی در ایرانیان، داشتن فرهنگ غنی اسلامی، استعداد برتر ایرانی و استقبال جهانی از نظریات انسانی اسلامی است. اینها شرایطی هستند که تحول در علوم انسانی را امکان‌پذیر و تسهیل می‌کنند. در این حالت اعمال شگردهایی چون ایجاد ساختار و مدیریت ویژه تحول علوم انسانی، بازنگری و برنامه‌ریزی جدی و جدید برای تحول در علوم انسانی، اصلاح مبانی علوم انسانی و... برای کمک در تحقق تحول در علوم انسانی از جمله اموری است که برای تحقق هدف مدنظر، لازم به‌نظر می‌رسد. پیامد نهایی تحول در علوم انسانی، دو مطلب عمده است که با یکدیگر لازم و ملزوم‌اند: اولاً تربیت مدیران و سیاست‌گذاران کشور براساس مبانی اسلام، ثانیاً حل مسائل و تحقق آرمان‌های جمهوری اسلامی براساس مبانی اسلامی.

دلالت‌های مدل مفهومی بر علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی

حقیقت این است که رهبر انقلاب اسلامی تاکنون دیدگاه‌های خود را به‌طور جامع در

زمینه ابعاد علوم انسانی مطلوب تشریح نکرده‌اند، بلکه در برخی موارد ضمن انتقاد از وضعیت فعلی این علوم، برای بهبود وضعیت نامطلوب فعلی راهکارها و پیشنهادهایی ارائه نموده‌اند. از این رو چنانچه بخواهیم ویژگی‌های علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی را در اندیشه ایشان استخراج کنیم، راهی جز توسل به دلالت‌های التزامی بیانات ایشان نداریم. در این روش، هنگامی که رهبر انقلاب به بیان نقاط منفی و ایرادات علوم انسانی فعلی می‌پردازند، می‌توانیم نبود آن ایرادات و نقاط منفی را به علوم انسانی مطلوب نسبت دهیم. همچنین هنگامی که راهکاری را برای رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه می‌دهند بدین معنی است که نتیجه تحقق این راهکار، از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های علوم انسانی مطلوب است.

از آنجا که یکی از اهداف پژوهش حاضر ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت علوم انسانی در کشور است، در این مجال در قالب جدول ۶، تمامی گزاره‌های مقام معظم رهبری که به‌نوعی جنبه انتقادی به علوم انسانی فعلی داشته است و همچنین راهکارهایی را که عملیاتی شدن آنها، منجر به بهبود در علوم انسانی می‌شود، مورد توجه و بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۶: دلالت گزاره‌ها بر مؤلفه‌های علوم انسانی مطلوب و تحلیل آنها^۱

مقاله	مفهوم	مؤلفه‌های علوم انسانی مطلوب	گزاره‌های انتقادی - راهکارهای مستخرج
۳ ک	همراهی علم و دین	تعامل سازمانی حوزه و دانشگاه	جدائی دو نهاد علم (دانشگاه) و دین (حوزه) از یکدیگر ^۲ و ^۳
		وجود فضای دینی و معنوی در مراکز آموزشی و پژوهشی علوم انسانی	همراهی تدین و علم‌آموزی در دانشگاه‌ها ^۴
	ورودی مناسب	جذب افراد مستعد و بانگیزه به علوم انسانی	جذب افراد مستعد و بانگیزه ^۴
		جذابیت در فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی	ایجاد امتیازاتی در فراگیری و کسب تخصص در علوم انسانی ^۵

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب ۱۳۶۸/۹/۲۹
۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۶/۶/۱۲
۳. بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۶۹/۵/۲۳
۴. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱
۵. دیدار با شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ۱۳۸۵/۱۱/۲

مقوله	مفهوم	مؤلفه‌های علوم انسانی مطلوب	گزاره‌های انتقادی - راهکارهای مستخرج
توسعه	توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی	رشد کمی و کیفی اساتیدی که با مبانی اسلامی مأنوس‌اند.	کنار زده شدن افرادی که با مبانی اسلامی مأنوس‌اند ^۱
		تشویق و حمایت از نظریه‌پردازی علوم انسانی اسلامی	بی‌مهری نسبت به نظریه‌پردازی اسلامی ^۲
	شیوه‌های آموزشی	تناسب برنامه‌ها و روش‌های آموزشی در علوم انسانی	اصلاح و بازنگری در برنامه‌ها و روش‌های آموزشی ^۳
	فعالیت‌های پژوهشی	استقرار تعداد مناسب و باکیفیت مراکز و فعالیت‌های پژوهشی در علوم انسانی	ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی ^۴
		استقرار نظام اعتبارسنجی علوم انسانی اسلامی	تأسیس مرکز آی.اس.آی اسلامی به‌عنوان یک مرجع معتبر ^۵
ارزیابی عملکرد	تناسب معیارهای نخبگی در علوم انسانی	انتخاب درست معیارهای نخبگی در علوم انسانی ^۶	
تعمیر	اسلامی بودن	ابتناء نظریات علوم انسانی بر مبانی اسلامی	مبانی غلط علوم انسانی ^۷ و ^۸ و ^۹ و ^{۱۰} و ^{۱۱}
		داشتن تعداد کافی کتاب‌های درسی	نداشتن کتاب آماده ^{۱۲}
		محک خوردن علوم انسانی غربی با مبانی دینی	ورود علوم انسانی به‌صورت ترجمه‌ای ^{۱۳}
		اصلاح و بازنگری متون آموزشی علوم انسانی	اصلاح و بازنگری در متون آموزشی ^{۱۴}
	بومی بودن	تناسب نظریات با نیازهای بومی	عدم تناسب با نیازهای کشور ^{۱۵}
		همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی	عدم همسازی علوم انسانی با فرهنگ ملی و اسلامی کشور ^{۱۶}

۱۱۳

۱. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۹/۱۳۷۱
۲. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹/۹/۱۳۷۱
۳. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۲۱/۱۰/۱۳۸۷
۴. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۲۱/۱۰/۱۳۸۷
۵. بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها ۱۷/۱۰/۱۳۸۳
۶. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۲/۷/۱۳۹۱
۷. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳/۷/۱۳۹۰
۸. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۱/۴/۱۳۹۳
۹. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۶/۱۳۸۸
۱۰. بیانات در دیدار دانشجویان ۳۱/۵/۱۳۸۹
۱۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۴/۶/۱۳۸۹
۱۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۶/۱۳۸۸
۱۳. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۲۸/۷/۱۳۸۸
۱۴. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۲۱/۱۰/۱۳۸۷
۱۵. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۴/۶/۱۳۸۹
۱۶. دیدار مقام معظم رهبری با اعضای شورای بررسی متون در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۸۵

مقوله	مفهوم	مؤلفه‌های علوم انسانی مطلوب	گزاره‌های انتقادی - راهکارهای مستخرج
کنشگران	استعداد و انگیزه	فعالیت افراد مستعد و باانگیزه نسبت به علوم انسانی	جذب افراد مستعد و باانگیزه ^۱
	اعتماد به نفس	وجود روحیه آزاداندیشی و جسارت علمی در کنشگران علوم انسانی	نبود شجاعت علمی ^۲ و ^۳
		دارا بودن اعتماد به نفس ملی	غرب‌زدگی ^۴ و ^۵
	نوآوری	خودآگاهی نسبت به مفاهیم و تئوری‌های غربی	خودآگاهی جمعی نسبت به فرهنگ وارداتی غرب ^۶
		غالب بودن روحیه تحقیق‌گری و اجتهاد	تقلیدگرایی ^۷
		رصد تحولات جدید	بی‌خبری از تحولات جدید ^۸
	اسلام‌گرایی	وجود تعداد کافی اساتید معتقد به مبانی اسلامی	کم بودن اساتید معتقد به مبانی اسلامی ^۹

ساختارها به معنای چینش و توزیع قدرت سازمانی و همچنین رویه‌های انجام کار هستند. ساختار علوم انسانی، به معنای روندهای پذیرش دانشجو، نظامات آموزشی و پژوهشی، ساخت محیط آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، روند ارتقای اساتید و اعضای هیئت‌علمی و... است. محتوا شامل مطالبی است که یک سازمان برای افراد خود تدارک می‌بیند. محتوای علوم انسانی نیز همان کتب درسی و کمک درسی و دیگر متون علوم انسانی است که ممکن است لزوماً به‌عنوان کتاب درسی ارائه نشوند ولی مورد توجه دغدغه‌مندان این حوزه علمی قرار گیرند. در نهایت کنشگران یک سازمان، کارکنان، گردانندگان و متولیان آن هستند که از گرایش‌ها، هنجارها، تمایلات و ارزش‌هایی برخوردارند. کنشگران این نهاد نیز، دانشجویان، اساتید، خط‌مشی‌گذاران و مدیران علوم انسانی‌اند.

۱. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱
۲. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۷/۱۰/۲۱
۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ۱۳۸۴/۱۰/۲۹
۴. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷
۵. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۱/۹/۱۹
۶. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹
۷. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷
۸. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷
۹. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۸/۶/۸

ساختار علوم انسانی

یکی از انتقادات مقام معظم رهبری به علوم انسانی فعلی، بنای ضد دینی دانشگاه‌هاست. از بدو تأسیس دانشگاه در ایران، سیاست داخلی و خواسته استعمارگر خارجی اقتضا می‌کرد که دو نهاد علم (دانشگاه) و دین (حوزه) نه‌تنها از یکدیگر جدا بوده بلکه نسبت به همدیگر بدبین نیز باشند. در نتیجه این سیاست‌ها، حوزویان و علمای دین، صرفاً به مسائل ذهنی دینی - و لاغیر - محدود و محصور ماندند و آنها را از تحولات دنیای خارج بی‌خبر نگهداشته شدند. دانشگاه نیز به‌دست کسانی افتاد که نسبت به حوزه علمیه دید مثبتی نداشتند. تفکر حاکم بر سیاستمداران داخلی هم این‌گونه بود که پیشرفت و توسعه از طریق کنار گذاشتن ارزش‌ها و احکام دینی در محیط‌های علمی حاصل می‌شود.^۱ بنابراین علوم انسانی در وضعیت مطلوب در جمهوری اسلامی در بعد ساختار نباید به‌صورت جداگانه از ارزش‌ها و جهان‌بینی دینی، آموزش داده شود. چرا که علوم انسانی ارتباط وثیقی با موضوعات گزاره‌ها و آموزه‌های دینی دارند. روشن است کشوری که جهان‌بینی اسلامی را به‌عنوان مبنای نظری و عملی خود برگزیده است نمی‌تواند نظریات علوم انسانی را بدون توجه به آموزه‌ها و معارف دینی، آموزش داده و به جوانان خود منتقل کند.

ورود افراد مستعد و باانگیزه در علوم انسانی، امر لازمی برای تحول در آن است که متأسفانه سال‌هاست مغفول مانده است. متأسفانه در وضعیت فعلی، اکثریت استعدادها برتر و نخبه‌ترجیحی برای انتخاب علوم انسانی به‌عنوان زمینه تخصصی خود ندارند. پیوند جدی علوم انسانی با بازار کار و برخورداری از امتیازات دیگر همچون فراگیران دیگر رشته‌های دانشگاهی یعنی علوم فنی مهندسی و علوم پزشکی نیز می‌تواند موجب تأمین ورودی مناسب نهاد علوم انسانی گردد. مفهوم ورودی مناسب از این‌رو در بعد ساختار آورده شده است که اصلاح ساختاری می‌تواند منجر به جذب ورودی مناسب شود. نکته دیگر در بعد ساختار نهاد علوم انسانی، توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی است. بدین‌معنا که رویه‌های اداری و قوانین علوم انسانی در ایران باید به‌گونه‌ای باشند که اساتید و اعضای هیئت‌علمی در این عرصه، ضمن اینکه با مبانی دینی و آموزه‌های اسلامی متناظر با رشته تخصصی خود آشنا و بلکه مسلط می‌شوند، شاهد رشد کمیت و کیفیت پایان‌نامه‌ها و نظریه‌پردازی‌های اسلامی که به‌دنبال استنباط نظر اسلام در موضوع تخصصی رشته‌های علوم انسانی‌اند، باشیم. شیوه‌های آموزشی علوم انسانی در کشور ما

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب ۱۳۶۸/۹/۲۹

متأسفانه حافظه‌محور است. در نتیجه فارغ‌التحصیلان علوم انسانی به‌جای اینکه مهارت و تخصصی ویژه کسب کنند، صرفاً حافظه‌های خود را از گزاره‌های تخصصی پر کرده‌اند. لذا یکی از نقاط کلیدی در وضعیت مطلوب علوم انسانی، بهبود شیوه‌های آموزشی است. گستره وسیع موضوعات علوم انسانی از یک‌سو و تأثیر قابل توجه آنها در بهبود کسب‌وکار، مدیریت، خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی از سوی دیگر، مستلزم این است که ضمن وجود تعداد درخوری از مراکز پژوهشی علوم انسانی در کشور، کیفیت محصولات و خروجی‌های این مراکز نیز از سطح بالایی برخوردار باشد. همچنین تأسیس و مبنا قرار گرفتن یک پایگاه استنادی مبتنی بر شاخص‌های اسلامی و به تعبیر رهبر انقلاب، مرکز آی.اس.آی اسلامی^۱، این نقش مهم را در تحول علوم انسانی ایفا می‌کند که پژوهشگران علوم انسانی برای تولید مقالات برتر خود به آن مراجعه می‌کنند. در صورتی که در وضعیت فعلی، مقالاتی بالاترین درجه علمی را پیدا می‌کند که مبتنی بر شاخص‌ها و نیازهای جوامع غربی در پایگاه ISI نمایه شود.

ماهیت خاص و تمایزات جدی که علوم انسانی با علوم فنی مهندسی و پزشکی دارد، مستلزم تعریف معیارهای ارزیابی ویژه و متمایزی برای ارزیابی عملکرد پژوهشگران این حوزه است. تعریف معیارهای ویژه علوم انسانی در ارتقای اعضای هیئت‌علمی و آئین‌نامه آن و معیارهای نخبگی^۲ در قوانین بنیاد نخبگان می‌تواند تأثیر قابل توجهی در تحول علوم انسانی داشته باشد.

محتوای علوم انسانی

باید اذعان کرد که بیشترین انتقاد رهبر انقلاب به علوم انسانی فعلی متوجه محتوای آموزشی علوم انسانی و خصوصاً مبانی غلط بر پایه تفکرات مادی بوده است. محتوای علوم انسانی مطلوب و مدنظر دو ویژگی مهم دارند: اسلامی بودن و بومی بودن آنها. اسلامی بودن علوم انسانی ناظر به ابتناء علوم انسانی بر مبانی معرفتی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلام است. در وضعیت مطلوب، کتاب‌های مبنا و اصلی آموزشی پژوهشی علوم انسانی مبتنی بر مبانی اسلامی‌اند و به همین جهت ساخته و پرداخته اندیشمندان داخلی‌اند. همچنین نظریات فعلی علوم انسانی با معارف اسلامی

۱. بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۷/۱۲

محک خواهند خورد و پس از عبور از صافی شاخص‌های اسلامی، در نهاد علوم انسانی کشور مستقر خواهند شد. چنین نیست که نظریات علوم انسانی غربی بدون هیچ‌گونه نگاه انتقادی و به‌صورت ترجمه‌ای و خام، وارد این نهاد مؤثر و خطیر شود. بومی بودن، سنخیت و تناسب نظریات علوم انسانی حداقل دو جنبه اساسی دارد. یک جنبه این است که نظریات علوم اجتماعی که جنبه توصیفی دارند؛ باید توصیف‌گر کنش‌های اجتماعی شکل گرفته در بستر کشور ایران باشند، نه اینکه توصیف‌گر کنش‌های جمعی افراد، گروه‌ها و جوامعی باشند که ویژگی‌های متفاوتی با جامعه ایرانی دارند. جنبه دیگر بومی شدن علوم انسانی مربوط به پژوهش‌های کاربردی می‌شود. این سنخ پژوهش‌ها که برای حل مسائل خاصی طراحی می‌شوند باید معطوف به مسائل، نیازها و اولویت‌های کشور باشند. ایران اسلامی با مسائل اجتماعی مختلفی درگیر است که اساساً در جوامع غربی مسئله^۱ محسوب نمی‌شوند تا بخواهند مورد پژوهش و کنکاش عالمان اجتماعی قرار گیرند.

کنشگران علوم انسانی

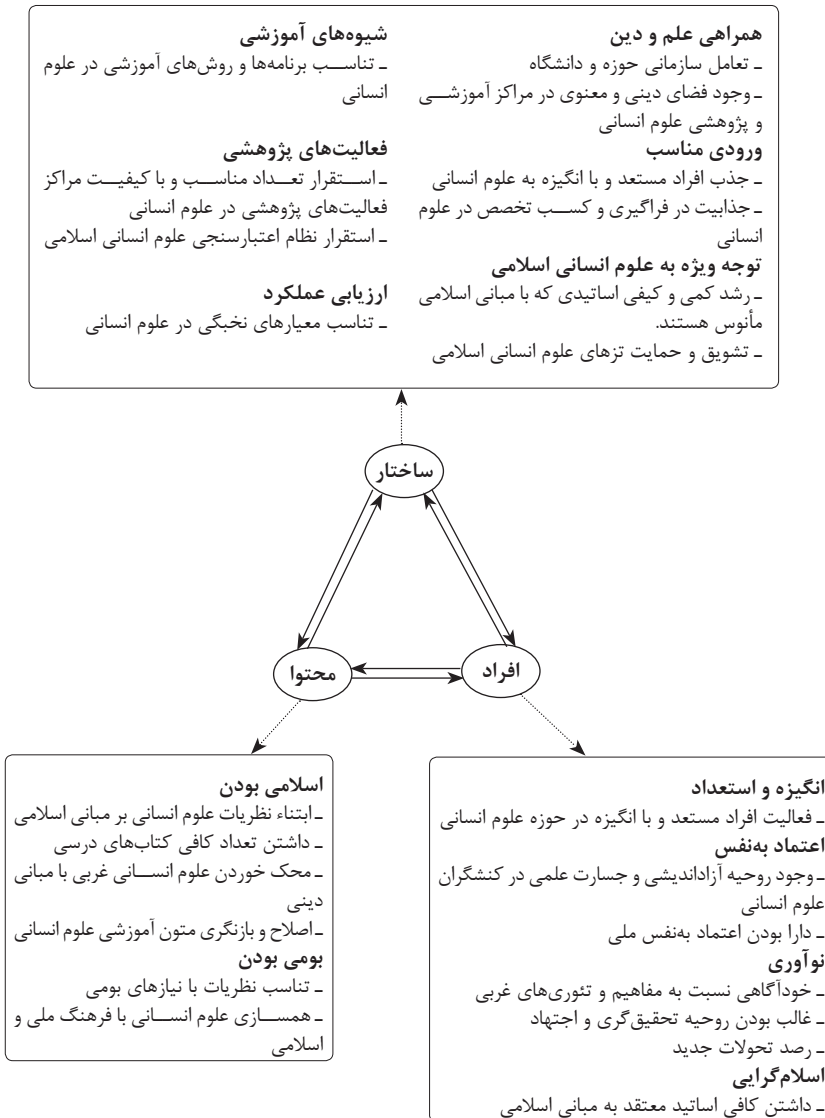
همان‌طور که ملاحظه می‌شود بخشی از مفاهیم به‌دست آمده مربوط به ویژگی‌های افراد، کنشگران یا بازیگران نهاد علوم انسانی است. مقام معظم رهبری به این بعد توجه ویژه‌ای داشته و قسمت مهمی از انتقادات ایشان به نهاد علوم انسانی، مربوط به این بعد از آن است. ویژگی مهم اول، ورود افراد مستعد و بانگیزه در علوم انسانی است که توضیح آن ذیل مقوله ساختار گذشت. علت تکرار مجدد این ویژگی در اینجا این است که در آنجا مفهوم آن، ورودی مناسب بود ولی در اینجا مراد، استعداد و انگیزه است که یکی از ویژگی‌های فردی است.

خودآگاه شدن نسبت به مفاهیم و تئوری‌های غربی به‌معنای علم پیدا کردن به خاستگاه فرهنگی اجتماعی تکوین آنها و فهم این نکته که چنین مفاهیم و نظریه‌هایی در نسبت با جهان‌بینی اسلامی و نظام ارزشی آن بیگانه‌اند، بی‌شک شرط لازم هر تحرک و تحول است. از این‌رو یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین گام‌هایی که در جهت تحقق علوم انسانی باید برداشته شود همین ایجاد خودآگاهی است.

وجود روحیه آزاداندیشی، اعتماد به‌نفس ملی به‌معنی باور به استعدادها و توانایی‌های

۱. منظور از مسئله اجتماعی همان چیزی است که در ادبیات جامعه‌شناسی از آن با عنوان Social Problem و در علم خط‌مشی نیز از مسائل خط‌مشی با عنوان Policy Problem یاد می‌شود.

ملی و اعتماد به نفس شخصی که از ملزومات نظریه پردازی است، نوآور بودن که خود مستلزم رصد تحولات جدید علمی و رساندن خویش در مرزهای علم است و در نهایت اسلام گرایی به معنای ایمان به جهان بینی اسلامی، چهار مفهوم نهاد علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی اند. شکل زیر مدل شماتیکی از علوم انسانی مطلوب را نمایش می دهد.



شکل ۲: مدل علوم انسانی مطلوب در اندیشه مقام معظم رهبری

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال این بودیم تا ابعاد و مؤلفه‌های تحول در علوم انسانی را از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی به دست آوریم. مطالعه و مرور اندیشه ایشان پیرامون علوم انسانی، نشان می‌دهد که سیاق یا زمینه^۱ اکثریت نزدیک به تمام بیانات ایشان را «تحول در علوم انسانی» شکل می‌دهد. مدل مفهومی تحول در علوم انسانی در بیانات رهبری معظم انقلاب، شامل پنج مقوله است که از تعداد ۷۰ مفهوم کلی، به دست آمده‌اند. در ذیل هر مفهوم نیز کدهای مختلفی قرار دارند که به تبیین مفاهیم مورد نظر می‌پردازند. براساس تحلیل گفته‌های معظم‌له در این پژوهش، حداقل دو دلیل عمده وجود دارد که تحول در علوم انسانی را ایجاب می‌کند. اولاً اهمیت علوم انسانی و جایگاه ویژه آن در کشور است. در این منظر اگرچه دیگر علوم (علوم پزشکی، فنی مهندسی و...) نیز در پیشرفت جامعه مؤثرند ولیکن علوم انسانی به دلیل اینکه روح دانش و تعیین‌کننده مسیر جامعه است جایگاه ویژه‌ای دارد.

از طرفی دیگر وضعیت علوم انسانی در سه بعد محتوا، ساختار و نیروی انسانی آن به گونه‌ای است که با مبانی اسلامی و همچنین جهت‌گیری‌های نظام اسلامی در تحقق اهداف خود مغایر است. بنابراین اهمیت و جایگاه ویژه علوم انسانی از یک سو و نامطلوب بودن آن از سوی دیگر سبب نیاز به تغییری اساسی یا همان تحول در علوم انسانی شده است. در تحقق تحول مدنظر، توجه به دو مقوله دیگر از اهمیت بالایی برخوردار است. یک مقوله الزامات تحول در علوم انسانی است. الزامات بیانگر امور لازم (و نه کافی) در جهت تحقق پدیده مدنظر یعنی تحول‌اند. اصلاح مبانی علوم انسانی - که مکرراً در بیانات رهبر انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است -، وجود ساختار و مدیریت ویژه تحول علوم انسانی، وجود محیط آزاداندیشی، طرح رویکردهای اسلامی به مسائل علوم انسانی و... در زمره این الزامات‌اند. مقوله دیگر، مدیریت تحول در علوم انسانی است. این مقوله علاوه بر سیاست‌های کلی نظام، بیانگر اموری است که نهادهای مرتبط با این موضوع باید مدنظر خویش قرار دهند. بسیاری از اندیشمندان جامعه وقتی از نامطلوب بودن علوم انسانی کشور سخن می‌گویند، صرفاً محتوای این علوم را مدنظر قرار می‌دهند. اگرچه نقطه اصلی نامطلوب بودن علوم انسانی، همین علوم و به تعبیر دیگر محتوای آن است ولی باید توجه داشت که از منظر رهبر انقلاب این نامطلوب بودن صرفاً به محتوای علوم انسانی منحصر نمی‌شود

بلکه هنجارها، گرایش‌های افراد و ساختارهای این علوم نیز دارای مشکلاتی است که اصلاح آنها، در تحقق تحول در علوم انسانی ضروری است. از این‌رو می‌توان گفت نگاه معظم‌له به علوم انسانی، یک نگاه نهادی است که علاوه بر محتوای علوم انسانی، به هنجارها و ساختارهای آن نیز توجه دارد. این مطالعه نشان داد علوم انسانی مطلوب در سه مقوله ساختار، محتوا و کنشگران، تمایزات جدی‌ای با وضعیت فعلی دارد.

پیشنهادهای پژوهش

در این بخش به ارائه پیشنهادهای حاصل از یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش می‌پردازیم. این پیشنهادهای در دو عرصه کلی پیشنهادهای مرتبط با حوزه خط‌مشی‌گذاری کلان عرصه‌های علمی کشور و حوزه علمی و پژوهشی تقسیم شده‌اند.

الف) در عرصه خط‌مشی‌گذاری

خط‌مشی‌گذاری در عرصه تحول علوم انسانی در حقیقت باید به گونه‌ای باشد که «خروجی»^۱ یا «رهاورد»^۲ آنها، تحقق مدل مطلوب علوم انسانی جمهوری اسلامی باشد. بنابراین لازم است خط‌مشی‌های تحول علوم انسانی ناظر به سه بعد نیروی انسانی، ساختار و محتوای آن طراحی گردند. لذا تک‌بعدی انگاشتن مقوله تحول در علوم انسانی، اولین خطایی است که برخی مدیران و خط‌مشی‌گذاران مرتکب می‌شوند. بر مبنای این مدل به خط‌مشی‌گذاران این عرصه توصیه می‌شود که با نهادینه کردن آموزه‌های دینی در کنار گزاره‌های علمی در دانشگاه‌ها و همچنین عطف توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی، ساختار فعلی این نهاد را تغییر داده تا از این طریق، زمینه اسلامی شدن و بومی‌شدن محتوای علوم انسانی نیز فراهم شود. همچنین آموزش عالی و مدیران چه در معیارهای پذیرش دانشجو و چه در معیارهای گزینش اعضای هیئت علمی لازم است توجه ویژه و درخوری به ایمان به جهان‌بینی دینی، برخورداری از اعتماد به نفس ملی و شخصی و نوآور بودن آنها داشته باشند، تا از این طریق نیروی انسانی این نهاد، بتواند نوآوری، اعتقاد و تعهد به مبانی اسلامی را ترویج داده و شاهد خروجی‌های علمی انسانی مدنظر و مطلوب جمهوری اسلامی باشیم.

رهبر معظم انقلاب با آوردن عبارت «تقویت جایگاه و منزلت علوم انسانی» در سیاست‌های کلی نظام، بهبود ادراک مردم و همچنین ادراک مسئولین را که خود

برخاسته از دل مردم است، را از شاخص‌های تحول علوم انسانی دانسته‌اند. بدین ترتیب رسانه ملی و رسانه‌های دیگر و... نیز از جمله دستگاه‌های مهم و تأثیرگذار در تحول علوم انسانی محسوب خواهند شد. لازم است رسانه ملی نیز در تولیدات خود اعم از سریال‌ها، فیلم‌های سینمایی، گفت‌وگوها و برنامه‌های تحلیلی و... به تبیین اهمیت و نقش خطیری که علوم انسانی در سرنوشت جامعه دارد بپردازد.

ب) در عرصه علمی و پژوهشی

با توجه به اینکه این پژوهش، صرفاً به دنبال شناخت عرصه تحول در علوم انسانی بود، مجال تبیین تفصیلی برخی موارد را نیافت. پژوهش در باب استخراج و تبیین نظر مقام معظم رهبری در باب مدیریت تحول در علوم انسانی، نتایج و رهاوردهای رضایت‌بخشی به ثمر خواهد آورد. برخی از مفاهیم مقوله الزامات تحول در علوم انسانی مانند وحدت حوزه و دانشگاه، می‌توانند موضوع پژوهش‌های نوینی گردند که عملیاتی کردن هر کدام از آنها علوم انسانی را گامی دیگر به نقطه تحول خویش نزدیک‌تر کند. اگر چه تاکنون در باب وحدت حوزه و دانشگاه سخنان زیادی زده شده است ولی طراحی مدل‌های همکاری و تعاملات ساختاریافته و سازمانی، طراحی دوره‌های آموزشی پژوهشی مشترک در جهت تولید علوم انسانی اسلامی و حتی تأمین نیروی انسانی لازم در نهاد علوم انسانی از جمله موارد مورد نیاز کنونی کشور است. بررسی و احصاء ویژگی‌های بازنگری و برنامه‌ریزی علوم انسانی و ارائه برنامه جامع در این زمینه با مؤلفه‌های لازم مدنظر، بررسی چگونگی ایجاد ساختاری که تدین و علم‌آموزی در آن، دو ارزش اجتماعی جدی باشند و افراد برای این دو ارزش، جایگاه ویژه‌ای قائل شوند و همچنین چگونگی تغییر ساختار علم‌آموزی کنونی به نقطه مطلوب و... از جمله ده‌ها موضوع پژوهشی است که اقتضائات جامعه کنونی ما، مستلزم انجام این پژوهش‌هاست. همچنین یکی از پژوهش‌های مهم و ثمربخش، بررسی تقدم و تأخر، تأثیر و تأثر و روابط فی‌مابین سه بعد (ساختار، کنشگران و محتوا) است. به عبارتی دیگر چه تعداد روابط و به چه کیفیتی بین این ابعاد وجود دارد تا چنانچه خط‌مشی‌گذاران بخواهند علوم انسانی فعلی را به علوم انسانی مطلوب سوق دهند، بدانند که اولویت‌بندی و اهمیت هر مؤلفه در هر بعد چیست؟ و در ابتدا کدام مؤلفه را باید مدیریت کنند تا دیگر مؤلفه‌ها نیز به سمت نقطه مطلوب هدایت شوند؟

* مقاله حاضر برگرفته از یک پژوهش تفصیلی است که در مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام

صادق علیه‌السلام انجام شده است.

منابع

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲). رهنمود ۱: شورای عالی انقلاب فرهنگی، گزیده بیانات موضوعی حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۲/۹/۲۹
 ۲. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. (تابستان ۱۳۹۴). <http://farsi.khamenei.ir>. ۱۳۹۴/۵/۳
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، ۱۳۶۸/۹/۲۹
 - بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۶۹/۵/۲۳
 - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۹/۱۹
 - بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹
 - بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲
 - بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸
 - پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶
 - بیانات در دیدار اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۲/۶/۲۶
 - بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۸/۸
 - بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱
 - بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷
 - بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵
 - بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۹/۲۶
 - بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷
 - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳
 - بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹
 - بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۵/۲۳
 - بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۵/۶/۲۵
 - بیانات در دیدار استادان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵/۷/۱۳
 - بیانات در دیدار مقام معظم رهبری با اعضای شورای بررسی متون، ۱۳۸۵/۱۱/۲
 - بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲
 - بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴
 - بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳

- ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱
 - بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷
 - بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸
 - بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸
 - بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۵/۳۱
 - بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۶/۱۴
 - بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹
 - بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۸/۲
 - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹
 - بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۷/۱۳
 - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۷/۱۲
 - دیدار جمعی از مسئولان و متصدیان جشنواره مردمی فیلم عمار با رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۱۲/۱
 - بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹
 - بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۴/۱۱
 - ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری»، ۱۳۹۳/۶/۲۹
 - حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۷/۲۶
 - انتصاب اعضای هیئت‌امتنای مؤسسه جامعه الامام‌الصادق، ۱۳۹۴/۳/۲۵
 - سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۴/۴/۹
 - بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۴/۴/۱۳
۳. پورطهماسبی، سیاوش و آذر تاجور. (۱۳۸۸). بررسی حوزه علوم انسانی از دیدگاه مقام معظم رهبری. معرفت، شماره ۱۴۶.
۴. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر. (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار - اشراقی.
۵. شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۳). مبانی علوم انسانی اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
۶. کاپلستون، فردریک. (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه. جلد چهارم. غلامرضا اعوانی. تهران: انتشارات سروش و شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۷. کانت، ایمانوئل. (۱۳۷۶). در پاسخ به پرسش روشن‌نگر ساختن چیست؟. سیروس آرین‌پور. در: ارهاورد بار. روشن‌نگری چیست؟ نظریه‌ها و تعریف‌ها. تهران: انتشارات آگاه.
۸. مروتی، مرضیه و محمدجواد مروتی. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران از منظر مقام معظم رهبری: چالش‌ها و راه‌کارها. معرفت. شماره ۱۵۳.
۹. میرزابابایی، نیره. (۱۳۸۹). علوم انسانی و جایگاه آن از دیدگاه مقام معظم رهبری. بصیرت و تربیت اسلامی. شماره ۱۶.

10. Neuman, W. L. (2000). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. New York: Pearson.
11. Shafritz, Jay M. & C. P. Borick. (2008). *Introducing Public Policy*. New York: Pearson Education.
12. Van de Ven, A. H. (2007). *Engaged Scholarship: A Guide for Organizational and Social Research*. New York: Oxford University Press.